نفت و انرژی

عبور از زمستان با تولید پایدار گاز در پارس جنوبی

مدیرعامل شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، عبور موفق از روزهای سرد سال با ثبت تولید پایدار گاز و برنامه‌ریزی منسجم برای تعمیرات اساسی ۱۴۰۵ را جلوه‌ای روشن از اقتدار عملیاتی و همدلی در بزرگ‌ترین مجتمع گازی کشور دانست.

به گزارش زمان به نقل از شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، غلامعباس حسینی در نشست راهبردی مدیران این مجموعه با اشاره به عملکرد موفق پالایشگاه‌های سیزده‌گانه در زمستان امسال بیان کرد: تولید پایدار گاز در اوج مصرف و تأمین آرامش و آسایش هموطنان عزیز، نتیجه برنامه‌ریزی دقیق، مدیریت هوشمندانه و تلاش شبانه‌روزی کارکنان متعهد مجتمع است.

وی با بیان اینکه تجربه عبور از پیک مصرف زمستانی باید به سرمایه‌ای راهبردی برای سال‌های آینده تبدیل شود، افزود: ضروری است تمام مسائل، چالش‌ها و گلوگاه‌های احتمالی این دوره به‌صورت دقیق استخراج، تحلیل و مستندسازی شود تا با رفع ریشه‌ای آنها، مسیر تولید پایدار بیش از پیش تقویت شود.

تمرکز بر پایداری زیرساخت‌های حیاتی

مدیرعامل شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی با تأکید بر اهمیت زیرساخت‌ها تصریح کرد: با برنامه‌ریزی منظم و هدفمند، روند پایداری تأمین آب پالایشگاه‌ها را با شتاب بیشتری دنبال خواهیم کرد، چراکه صیانت از زیرساخت‌های حیاتی، تضمین‌کننده استمرار تولید، ایمن و پایدار است.

آغاز نوآورانه تعمیرات اساسی ۱۴۰۵

حسینی از کلید خوردن تعمیرات اساسی سال ۱۴۰۵ در روزهای ابتدایی سال جدید خبر داد و گفت: این عملیات با رویکردی نوآورانه، استفاده از تجارب موفق گذشته و انسجام عملیاتی اجرا می‌شود تا با افزایش ضریب آمادگی تجهیزات، شاهد ثبت بهترین عملکرد در حوزه تعمیرات اساسی باشیم.

توسعه الگوهای موفق در تمامی پالایشگاه‌ها

وی همچنین بر ضرورت هم‌افزایی میان پالایشگاه‌ها تأکید کرد و افزود: باید مشکلات هر پالایشگاه به‌صورت دقیق شناسایی و برطرف و اقدام‌های شاخص و موفق در سایر پالایشگاه‌ها نیز پیاده‌سازی شود تا شاهد ارتقای یکپارچه عملکرد در سطح مجتمع باشیم.

مدیرعامل شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در پایان با قدردانی از تلاش‌های کارکنان و مدیران، ابراز امیدواری کرد با تداوم روحیه همدلی، نوآوری و انضباط عملیاتی، این مجتمع در سال پیش رو نیز نقش‌آفرینی مؤثری در تأمین پایدار انرژی کشور ایفا کند و کارنامه‌ای پرافتخارتر از گذشته رقم بزند.

رکوردشکنی جدید در واردات نفت آسیا

آسیا در قوریه که واردکنندگان بزرگ این منطقه در بحبوحه افزایش چشمگیر تقاضا و تغییر اوضاع ژئوپلیتیکی، خرید خود را افزایش دادند، حجم بی‌سابقه‌ای نفت خام وارد خواهد کرد.

به گزارش زمان به نقل از ایسنا، داده‌های جمع‌آوری شده توسط تحلیلگران کالای شرکت اطلاعات انرژی کپلر نشان می‌دهد واردات نفت آسیا در قوریه، به ۲۸.۵۱ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. طبق داده‌های ارائه شده توسط کپلر، واردات قوریه بیشتر از ۲۷.۴۸ میلیون بشکه در روز واردات دسامبر و ۲۶.۲۲ میلیون بشکه در روز واردات ژانویه خواهد بود.

افزایش واردات آسیا در قوریه، تحت تاثیر خرید بیشتر کشورهای چین و هند است که به ترتیب بزرگ‌ترین و سومین واردکنندگان بزرگ نفت در جهان هستند.

در حالی که واردات آسیا در ماه جاری رونق گرفته است، چین و هند در منابع تامین نفت خام خود به شدت از هم فاصله گرفته‌اند. چین در حال افزایش واردات از روسیه و عربستان سعودی است، زیرا تخفیف‌های زیاد برای نفت روسیه و قیمت‌های پایین‌تر نفت عربستان، تقاضای پالایشگاه‌های چینی را افزایش می‌دهد. در مقابل، هند در بحبوحه فشار آمریکا، خرید نفت از روسیه را کاهش داده و واردات از خاورمیانه، غرب آفریقا و قاره آمریکا را افزایش داده است.

همزمان با انصراف هند از خرید نقدی نفت روسیه، نفت روسیه با تخفیف چشمگیر به پالایشگاه‌های مستقل چینی عرضه می‌شود و در نتیجه، واردات نفت چین از روسیه در قوریه به بالاترین حد خود، بیش از ۲ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. طبق داده‌های شرکت‌های کپلر و ورتکسا، چین در ماه میلادی جاری، ۲.۰۷ تا ۲.۰۸ میلیون بشکه در روز نفت از روسیه وارد خواهد کرد. بعلاوه، تقاضای کوتاه مدت برای نفت عربستان سعودی در چین پس از آن که این ریاض اوایل ماه جاری قیمت‌های فروش رسمی برای آسیا را به پایین‌ترین سطح در مقایسه با قیمت‌های پایه منطقه‌ای در بیش از پنج سال گذشته کاهش داد، در حال افزایش است.

بر اساس گزارش اویل پرایس، هند همچنین واردات از عربستان سعودی را افزایش می‌دهد زیرا به دنبال جایگزین‌هایی برای نفت خام روسیه است. کپلر تخمین می‌زند که واردات هند در قوریه، به ۱.۰۳ میلیون بشکه در روز برسد که نسبت به ۷۷۶ هزار بشکه در روز در ژانویه بالاتر است و بالاترین حجم از نوامبر ۲۰۱۹ خواهد بود.

نگرانی کارگران از فشار تصمیم‌گیری تعیین مزد در روزهای پایانی؛

مزد باید متناسب با نرخ تورم واقعی تعیین شود



در حالی که تنها چند هفته تا پایان سال باقی مانده، جلسات تعیین مزد کارگران هنوز به صورت جدی انجام نشده است.

به گزارش زمان به نقل ازتسنیم، در حالی که تنها چند هفته تا پایان سال باقی مانده است، هنوز روند رسمی برگزاری جلسات مزدی برای تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال آینده به‌طور جدی آغاز نشده است. این تأخیر موجب نگرانی جامعه کارگری و کارشناسان حوزه کار شده که هشدار می‌دهند ممکن است به مذاکرات مزد مانند سال‌های گذشته به روزهای پایانی سال موکول شود و در فضایی فشرده و پرشتاب اتخاذ گردد. بر اساس روال معمول، نشست‌های سه‌جانبه میان نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت باید از دی‌ماه آغاز می‌شد تا فرصت کافی برای بررسی شاخص‌های اقتصادی، میزان تورم، و هزینه‌های معیشت خانوارها وجود داشته باشد. با این حال، تاکنون تنها جلسات مقدماتی با غیررسمی برگزار شده و هنوز توافقی درباره سبد معیشت و مبنای محاسبه مزد صورت نگرفته است. به گفته کارشناسان، امسال شرایط اقتصادی پیچیده‌تر از همیشه است؛ نوسانات ارزی اخیر، افزایش مداوم قیمت کالاهای ضروری، و رشد شدید هزینه مسکن، فشار مضاعفی بر معیشت کارگران وارد کرده است. نرخ تورم بالای مواد خوراکی و هزینه‌های زندگی باعث شده مذاکرات مزدی با حساسیت و اختلاف‌نظر بیشتری همراه باشد.

نمایندگان کارگری تأکید دارند که مزد باید متناسب با نرخ تورم واقعی و هزینه‌های زندگی تعیین شود تا قدرت خرید خانوارهای کارگری بیش از این کاهش نیابد. در مقابل، برخی کارفرمایان افزایش قابل توجه مزد را برای واحدهای تولیدی دشوار می‌دانند و نسبت به اثرگذاری آن بر هزینه تمام‌شده و اشتغال هشدار می‌دهند. اگر چه برخی کارشناسان افزایش حقوق متناسب با نرخ تورم را وعده‌ای تکرار شونده در طول سال‌های اخیر می‌دانند اما با توجه به بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۵ و صحبتهای برخی از نمایندگان کمیسیون تلفیق که از افزایش حقوق‌ها در لایحه به شکل پلکانی خبر داده و تاکید کرده‌اند که محاسبه و رویکرد افزایش ۴ مرحله‌ای و فصلی دستمزد می تواند به آرامش و امنیت روانی و ایجاد ثبات نسبی در معیشت کارگران و ارتقای سطح رضایتمندی آنها منجر شود. در هر حال اظهارات اخیر رئیس مجلس این گمانه را تقویت می‌کند که ممکن است در جریان بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۵ مهر تایید افزایش بیش از یک بار حقوق و دستمزد در سال زده شود؛ موضوعی که برای عملی شدن در سال آینده باید در متن لایحه بودجه گنجانده و در صحن علنی مجلس تصویب شود. از نگاه کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی با توجه به شرایط موجود اقتصاد، نظام تعیین حقوق و دستمزد باید به نحوی بازطراحی، بازنگری و تدوین شود که متناسب با شاخص‌های اقتصادی، از جمله تورم ماهانه و ارزش پول ملی به طور شناور،متغیر و چند مرحله‌ای عمل کند تا پاسخگوی هزینه‌های خانوار شود. در چنین شرایطی، احتمال آنکه جلسات نهایی شورای‌عالی کار به روزهای پایانی سال موکول شود بسیار بالاست؛ اتفاقی که ممکن است تصمیم‌گیری درباره مهم‌ترین شاخص معیشتی میلیون‌ها کارگر را به فضایی عجولانه و پرتنش بکشاند.

با ادامه این روند، انتظار می‌رود روزهای آینده تعیین‌کننده مسیر مذاکرات مزدی باشد و هرگونه تأخیر بیشتر، هم نگرانی کارگران را افزایش دهد و هم فشار رسانه‌ای و اجتماعی بر دولت را بیشتر کند.

فاصله تاریخی درآمد و قیمت مسکن؛

رویای خانه‌دار شدن به دوردست‌ها رفت

بازار مسکن با رشد بی‌وقفه قیمت‌ها و فاصله فزاینده درآمد خانوارها، خانه‌دار شدن برای دهک‌های متوسط و پایین را با وجود افزایش ۴۳ درصدی حقوق به رؤیایی دوردست تبدیل کرده است.

به گزارش زمان به نقل ازمهر، بازار مسکن از دهه‌های اخیر به ویژه طی ماه‌های گذشته وارد فاز افزایشی شده است و روند رشد قیمت‌ها در اغلب مناطق شهری، به‌ویژه کلان‌شهرها، شتاب گرفته است، روندی که هم‌زمان با تداوم تورم عمومی، کاهش قدرت خرید خانوارها و رکود معاملاتی، تصویر پیچیده‌ای از یکی از مهم‌ترین حوزه‌های معیشتی عموم افراد جامعه ترسیم کرده است. بررسی میدانی فایل‌های فروش نشان می‌دهد فاصله میان توان مالی متقاضیان مصرفی و قیمت پیشنهادی فروشندگان به شکل محسوسی افزایش یافته و همین موضوع، حجم معاملات را در سطحی پایین نگه داشته، البته طی ماه‌های اخیر به دلیل نوسانات ارزی عده زیادی از فروشندگان از عرضه واحد خود صرف نظر کرده‌اند، که همین مسئله موجب افزایش قیمت ملک شده است. کارشناسان بازار مسکن معتقدند جهش‌های اخیر قیمت مسکن بیش از آنکه ناشی از شوک‌های مقطعی باشد، ریشه در متغیرهای کلان دارد. رشد نقدینگی، بی‌ثباتی در بازار ارز، تورم نهادهای ساختمانی و نبود چشم‌انداز روشن در سیاست‌گذاری اقتصادی، موجب شده مسکن همچنان به‌عنوان یک دارایی امن در برابر تورم تلقی شود. همین نگاه سرمایه‌ای، تقاضای غیرمصرفی را تقویت کرده و بر فشار قیمتی افزوده است. در چنین شرایطی، بازار مسکن ایران متاثر از فشار شدید تورم و کاهش قدرت خرید خانوارها قرار دارد. شکاف درآمد و هزینه مسکن به‌ویژه برای دهک‌های متوسط و پایین به سطحی رسیده که خانه‌دار شدن برای بسیاری از خانوارها به یک هدف دوردست تبدیل شده است. افزایش مداوم قیمت هر متر مربع واحد مسکونی، اقساط وام‌های بانکی را نیز از توان بازپرداخت بخش قابل توجهی از متقاضیان خارج کرده است. یکی از ویژگی‌های کنونی بازار، هم‌زمانی رکود در معاملات و رشد قیمت‌هاست؛ پدیده‌ای که در ادبیات اقتصادی از آن به «رکود تورمی» یاد می‌شود. بنگاه‌های معاملات ملکی از کاهش تعداد معاملات خبر می‌دهند، اما قیمت‌های پیشنهادی همچنان صعودی است. فروشندگان با استناد به تورم عمومی و افزایش هزینه ساخت، حاضر به تعدیل قیمت نیستند و خریداران نیز توان ورود جدی به بازار را ندارند. از سوی دیگر، هزینه‌های ساخت‌وساز شامل قیمت زمین، مصالح ساختمانی، دستمزد نیروی کار و عوارض شهرداری‌ها افزایش یافته و همین موضوع، حجم معاملات را در سطحی پایین نگه داشته، البته طی ماه‌های اخیر به دلیل نوسانات ارزی عده زیادی از فروشندگان از عرضه واحد خود صرف نظر کرده‌اند، که همین مسئله موجب افزایش قیمت ملک شده است. کارشناسان بازار مسکن معتقدند جهش‌های اخیر قیمت مسکن بیش از آنکه ناشی از شوک‌های مقطعی باشد، ریشه در متغیرهای کلان دارد. رشد نقدینگی، بی‌ثباتی در بازار ارز، تورم نهادهای ساختمانی و نبود چشم‌انداز روشن در سیاست‌گذاری اقتصادی، موجب شده مسکن همچنان به‌عنوان یک دارایی امن در برابر تورم تلقی شود. همین نگاه سرمایه‌ای، تقاضای غیرمصرفی را تقویت کرده و بر فشار قیمتی افزوده است. در چنین شرایطی، بازار مسکن ایران متاثر از فشار شدید تورم و کاهش قدرت خرید خانوارها قرار دارد. شکاف درآمد و هزینه مسکن به‌ویژه می‌دهد این شاخص در بسیاری از شهرهای بزرگ به سطوح بی‌سابقه‌ای رسیده است. بر اساس آخرین پیش‌بینی‌ها، با افزایش ۴۳ درصدی حقوق کارمندان در سال آینده، حداقل درآمد ماهانه آنها به ۱۸ میلیون و ۷۰۰ هزارتومان خواهد رسید و حتی اگر حق مسکن کارگری به ۳ میلیون تومان هم افزایش یابد، باز هم توان خرید واقعی آنها برای ورود به بازار مسکن بسیار محدود است. در حالی که استاندارد جهانی نسبت قیمت مسکن به درآمد سالانه حدود ۵ تا ۷ سال است، در بسیاری از مناطق شهری ایران این عدد به بیش از ۲۰ سال رسیده و نشان‌دهنده فاصله شدید میان قدرت خرید و قیمت بازار است. این بدان معناست که یک خانوار با پس‌انداز کامل درآمد خود، بیش از دو دهه زمان نیاز دارد تا بتواند یک واحد مسکونی متوسط خریداری کند؛ فرضی که در عمل غیرممکن به نظر می‌رسد. در چنین فضایی، بازار اجاره نیز تحت تأثیر رشد قیمت مسکن، افزایشی شده و مستأجران با فشار مضاعفی مواجه هستند. افزایش نرخ اجاره‌بها در کنار تورم سایر کالاها و خدمات، سهم مسکن از سبد هزینه خانوار را به شکل قابل توجهی بالا برده است. در این راستا، سمانه محرمی نمین، نایب‌رئیس دوم اتحادیه مشاوران املاک تهران با بیان اینکه افزایش حق مسکن کارگری از ۹۰۰ هزار تومان به حدود سه میلیون تومان اگرچه روی کاغذ رشد محسوب می‌شود، گفت: در عمل این رقم نمی‌تواند نقش مؤثری در تأمین سرپناه ایفا کند. وی افزود: امروز حتی کوچک‌ترین واحدهای استیجاری در بسیاری از مناطق تهران نیازمند بودجه‌ای به‌مراتب بیشتر از این رقم هستند و به همین دلیل این حمایت عملاً اثر تعیین‌کننده‌ای در زندگی مستأجران ندارد. حق مسکن فعلی شاید در آمار بزرگ باشد، اما در سفره مستأجر عددی کوچک و کم‌اثر است. محرمی نمین بیان کرد: طی سال‌های گذشته سرعت رشد اجاره‌بها بسیار بیشتر از افزایش مؤلفه‌های مزدی بوده و همین موضوع باعث شده فاصله میان تصمیمات حمایتی و واقعیت معیشت مردم عمیق‌تر شود. زمانی که بیشترین سهم درآمد خانوار صرف اجاره‌بها می‌شود، دیگر از دستمزد حمایتی تنها یک عنوان باقی می‌ماند و اثر عملی آن در مدیریت هزینه‌های زندگی کمرنگ می‌شود. وی با بیان اینکه بازار مسکن از متغیرهای کلان اقتصادی اثر می‌گیرد، ادامه داد: بدون مهار تورم عمومی، کنترل هزینه‌های تولید مسکن و افزایش عرضه، هر رقمی که به‌عنوان حق مسکن تعیین شود در مدت کوتاهی کارایی خود را از دست می‌دهد. چشم‌انداز بازار مسکن در کوتاه‌مدت به متغیرهای کلان اقتصادی گره خورده است. در صورتی که روند تورم مهار نشود و ثبات در بازارهای موازی ایجاد نگردد، انتظار کاهش محسوس قیمت‌ها دور از ذهن خواهد بود. در مقابل، ایجاد ثبات اقتصادی، کنترل رشد نقدینگی و اجرای سیاست‌های هدفمند حمایتی می‌تواند به تدریج انتظارات تورمی را تعدیل کرده و بازار را به سمت تعادل سوق دهد. گرچه کارشناسان بازار مسکن اخیرا از نشانه‌های بازگشت رونق به بازار مسکن سخن می‌گویند، اما در مجموع، بازار مسکن در شرایطی قرار دارد که حل چالش‌های آن صرفاً با مداخلات بخشی امکان‌پذیر نیست و نیازمند اصلاحات بنیادین در سطح سیاست‌های کلان اقتصادی است؛ اصلاحاتی که بتواند هم‌زمان ثبات قیمتی، افزایش قدرت خرید و رونق تولید مسکن را محقق کند.

صنعت خودرو نیازمند خصوصی‌سازی واقعی

عضو انجمن قطعه‌سازان گفت: اگر قرار است واگذاری انجام شود، باید خصوصی‌سازی واقعی باشد. خصوصی‌سازی دستوری گره‌ای باز نمی‌کند.

به گزارش زمان به نقل ازصدا و سیما، مجید پاکزاد افزود: با توجه به فشار شدید نقدینگی در آستانه شب عید، صنعت بیش از هر چیز به «تصمیم‌های کوتاه‌مدت برای تزریق فوری منابع» نیاز دارد و خصوصی‌سازی اگر قرار است اجرا شود، باید واقعی باشد؛ نه نسخه‌ی دستوری که تجربه‌های ناموفق گذشته را تکرار کند. وی اضافه کرد: فعالان صنعت بیش از آنکه به برنامه‌های بلندمدت مدیریتی فکر کنند، نیازمند راهکارهای کوتاه‌مدت برای عبور از هفته‌های پایانی سال هستند. به گفته پاکزاد، بسیاری از قطعه‌سازان برای تأمین هزینه‌های جاری و تعهدات پایان سال با مشکل جدی مواجه‌اند و اولویت فوری، دریافت بخشی از مطالبات برای عبور از این مقطع حساس است. وی با اشاره به بحث خصوصی‌سازی سایپا افزود: اگر قرار است واگذاری انجام شود، باید خصوصی‌سازی واقعی باشد. خصوصی‌سازی دستوری نه‌تنها گره‌ای باز نمی‌کند، بلکه ممکن است تجربه‌هایی مشابه نیشکر هفت‌تپه، هپکو و آذرآب را تکرار کند. به گفته پاکزاد، واگذاری بدون اصلاح ساختار مدیریتی و اقتصادی، فقط انتقال مشکل از یک بخش به بخش دیگر است. این عضو انجمن قطعه‌سازان، با اشاره به شرایط مالی سایپا گفت: این شرکت طرح‌های پیش‌فروش برخی محصولات از جمله کوئیک، اطلس و شاهین را اجرا کرده و می‌تواند با افزایش فروش نقدی برخی محصولات، بخشی از منابع موردنیاز را تأمین کند. وی پیشنهاد داد: بخشی از درآمدهای حاصل از فروش فوری، برای پرداخت مطالبات قطعه‌سازان اختصاص یابد تا زنجیره تأمین بتواند از فشار فعلی عبور کند. پاکزاد تأکید کرد: هدف قطعه‌سازان ایجاد مشکل برای کارکنان خودروساز نیست و هیچ‌کس نمی‌خواهد پرداخت حقوق و مزایای پایان سال کارکنان سایپا با اختلال مواجه شود؛ اما انتظار این است که منابع به‌صورت عادلانه میان بخش‌های مختلف زنجیره توزیع شود تا فشار مالی فقط بر دوش قطعه‌سازان باقی نماند. وی همچنین به فضای پرابهام اقتصادی و سیاسی کشور اشاره کرد و افزود: نوسانات بازار مواد اولیه، دشواری تأمین نقدینگی و بلاتکلیفی در برخی تصمیمات کلان، فشار را تأمین می‌کند. وی پیشنهاد داد: بخشی از درآمدهای حاصل از فروش فوری، برای پرداخت مطالبات قطعه‌سازان اختصاص یابد تا زنجیره تأمین بتواند از فشار فعلی عبور کند. پاکزاد تأکید کرد: هدف قطعه‌سازان ایجاد مشکل برای کارکنان خودروساز نیست و هیچ‌کس نمی‌خواهد پرداخت حقوق و مزایای پایان سال کارکنان سایپا با اختلال مواجه شود؛ اما انتظار این است که منابع به‌صورت عادلانه میان بخش‌های مختلف زنجیره توزیع شود تا فشار مالی فقط بر دوش قطعه‌سازان باقی نماند. وی همچنین به فضای پرابهام اقتصادی و سیاسی کشور اشاره کرد و افزود: نوسانات بازار مواد اولیه، دشواری تأمین نقدینگی و بلاتکلیفی در برخی تصمیمات کلان، فشار را تأمین می‌کند. وی پیشنهاد داد: بخشی از درآمدهای حاصل از فروش فوری، برای پرداخت مطالبات قطعه‌سازان اختصاص یابد تا زنجیره تأمین بتواند از فشار فعلی عبور کند. پاکزاد تأکید کرد: هدف قطعه‌سازان ایجاد مشکل برای کارکنان خودروساز نیست و هیچ‌کس نمی‌خواهد پرداخت حقوق و مزایای پایان سال کارکنان سایپا با اختلال مواجه شود؛ اما انتظار این است که منابع به‌صورت عادلانه میان بخش‌های مختلف زنجیره توزیع شود تا فشار مالی فقط بر دوش قطعه‌سازان باقی نماند. وی همچنین به فضای پرابهام اقتصادی و

نگاه روز

دست انداز‌های اصلاحات اقتصادی در دولت

ریاض علی فرحانی

آغاز به کار دولت چهاردهم جمهوری اسلامی ایران در شرایطی رقم خورده است که اقتصاد ملی با مجموعه‌ای از عدم‌توازن‌های انباشته مواجه است؛ عدم‌توازن‌هایی که نه‌تنها در شاخص‌های کلان همچون تورم، رشد نقدینگی و کسری بودجه نمود یافته، بلکه به‌صورت ملموس در زندگی روزمره شهروندان احساس می‌شود. فشار مستمر بر معیشت خانوار، کاهش قدرت خرید و ناطمینانی نسبت به آینده اقتصادی، زمینه شکل‌گیری اعتراضات اجتماعی پراکنده در ماه‌های اخیر را فراهم کرده است؛ اعتراضاتی که هرچند ممکن است مطالباتی اقتصادی داشته باشند، اما در صورت بی‌توجهی، ابعاد اجتماعی و امنیتی نیز خواهند یافت.

مسأله اصلی آن است که سیاست‌های معیشتی در سال‌های گذشته، بیش از آنکه بر اصلاحات ساختاری استوار باشند، بر تدابیر کوتاه‌مدت و جبرانی تکیه داشته‌اند. پرداخت‌های حمایتی مقطعی، تغییرات ناپیوسته در سیاست‌های قیمتی و نبود انسجام میان نهادهای تصمیم‌گیر، به ایجاد نوعی بی‌ثباتی ادراکی در جامعه انجامیده است. شهروندان بیش از هر چیز به «قابلیت پیش‌بینی» نیاز دارند؛ اقتصادی که هر روز با بخشنامه‌های جدید یا تصمیمی ناگهانی دستخوش تغییر شود، نمی‌تواند اعتماد عمومی را تقویت کند. عدم‌توازن در حوزه‌های معیشتی، خود را در چند سطح نشان می‌دهد: شکاف میان دستمزد و هزینه‌های واقعی زندگی، نابرابری در دسترسی به خدمات عمومی، و تفاوت محسوس میان فرصت‌های اقتصادی در مناطق مختلف کشور. چنین وضعیتی، اگر با احساس بی‌عدالتی همراه شود، سرمایه اجتماعی را فرسایش می‌دهد. سرمایه اجتماعی، بنیان ثبات سیاسی و امنیت پایدار است؛ هرگاه این سرمایه تضعیف شود، جامعه مستعد بروز تنش‌های مقطعی و اعتراضات پراکنده خواهد شد. اعتراضات اجتماعی اخیر را باید در همین چارچوب تحلیل کرد. بخش مهمی از این نارضایتی‌ها ریشه در دغدغه‌های معیشتی دارد؛ دغدغه‌هایی که با افزایش هزینه‌های مسکن، خوراک، درمان و آموزش تشدید شده است. در چنین شرایطی، هر تصمیم اقتصادی که بدون اقناع افکار عمومی و بدون پیوست اجتماعی اتخاذ شود، می‌تواند به سوءبرداشت یا واکنش منفی بینجامد. برای دولت چهاردهم، اکنون زمان تصمیم‌های بزرگ و ساختاری است. اصلاح نظام یارانه‌ای به‌گونه‌ای که منافع محدود به‌صورت هدفمند به اقشار نیازمند اختصاص یابد، بازنگری در سیاست‌های دستمزدی با توجه به نرخ واقعی تورم، و ایجاد ثبات در بازارهای کلیدی از جمله مسکن و کالاهای اساسی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به کاهش شکاف‌های معیشتی کمک کند. اما فراتر از این اقدامات، آنچه اهمیت دارد «انسجام سیاستی» است؛ یعنی هماهنگی میان دستگاه‌های اقتصادی و پرهیز از ارسال سیگنال‌های متناقض به جامعه و بازار. تبعات امنیتی بی‌توجهی به مطالبات معیشتی را نمی‌توان نادیده گرفت. امنیت، صرفاً به معنای کنترل ناآرامی‌ها نیست، بلکه پیش از آن، به معنای پیشگیری از شکل‌گیری بسترهای نارضایتی است. جامعه‌ای که احساس کند صدایش شنیده می‌شود و سیاست‌گذار به‌صورت شفاف و مسئولانه با او سخن می‌گوید، حتی در شرایط دشوار اقتصادی نیز همراهی بیشتری نشان خواهد داد. در مقابل، فقدان گفت‌وگوی صادقانه و تداوم تصمیم‌های غیرقابل پیش‌بینی، می‌تواند شکاف میان دولت و جامعه را تعمیق کند. دولت چهاردهم، اگر بخواهد مسیر توسعه پایدار را هموار سازد، ناگزیر است میان اهداف رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی توازن برقرار کند. رشد بدون عدالت، به تمرکز ثروت و افزایش شکاف طبقاتی می‌انجامد و عدالت بدون رشد، به توزیع فقر. راه برون‌رفت، در اصلاح ساختار بودجه، کاهش هزینه‌های غیرضرور، تقویت تولید داخلی و حمایت هوشمند از اقشار آسیب‌پذیر نهفته است. افزون بر این، تقویت شفافیت و پاسخگویی می‌تواند اعتماد عمومی را بازسازی کند. مردم زمانی سیاست‌های دشوار اقتصادی را می‌پذیرند که بدانند بار آن به‌طور عادلانه توزیع می‌شود و مسئولان نیز در قبال تصمیم‌های خود پاسخگو هستند. این رویکرد، نه‌تنها به ثبات اقتصادی کمک می‌کند، بلکه از منظر امنیت ملی نیز اهمیت راهبردی دارد. در نهایت، باید تأکید کرد که معیشت مردم، خط مقدم سرمایه اجتماعی و امنیت کشور است. دولت چهاردهم در نقطه‌ای حساس از تاریخ اقتصادی ایران قرار دارد؛ نقطه‌ای که در آن، انتخاب میان تداوم رویکردهای گذشته یا حرکت به سوی اصلاحات ساختاری، پیامدهایی بلندمدت خواهد داشت. اگر اصلاحات با تدبیر، شفافیت و مشارکت اجتماعی همراه شود، می‌تواند به بازسازی اعتماد و کاهش تنش‌ها بینجامد. در غیر این صورت، عدم‌توازن‌های موجود ممکن است به چالشی گسترده‌تر بدل شود؛ چالشی که مدیریت آن به‌مراتب پرهزینه‌تر از پیشگیری خواهد بود.

Alborz.payam@gmail.com

خبر

ورود میوه به کالابرگ از ۱۵ اسفند

دولت از اضافه‌شدن اقلامی مانند میوه، خرما، سیب‌زمینی و پیاز به سبد کالابرگ از ۱۵ اسفند خبر داد.

به گزارش زمان به نقل ازتسنیم، ایمان زنگنه سخنگوی معاونت رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از امکان خرید میوه و خرما با کالابرگ از ۱۵ اسفند خبر داد و گفت: اقلامی مانند سیب‌زمینی، پیاز، خرما و پرتقال به فهرست کالاهای مشمول کالابرگ اضافه می‌شود تا سبد حمایتی خانوارها متنوع‌تر شود. وی با اشاره به تفاهم صورت‌گرفته میان وزارت جهاد کشاورزی و وزارت تعاون، اظهار کرد: با اتکا به ۹ هزار تعاونی روستایی و عرضه‌کنندگان خرد، این اقلام به سبد کالابرگ افزوده شده است.وی افزود: در زمان حاضر بیش از ۲۶۴ هزار فروشگاه در سراسر کشور در این طرح مشارکت دارند که ۲۲ درصد آن‌ها فروشگاه‌های زنجیره‌ای و ۷۸ درصد فروشگاه‌های خرد هستند و همگی ضوابط اعلام‌شده را رعایت می‌کنند. سخنگوی معاونت رفاه با بیان اینکه چالش دریافت کارمزد در فروشگاه‌ها برطرف شده است، تصریح کرد: تسویه‌حساب با فروشگاه‌ها به‌صورت روزانه انجام می‌شود و هیچ فروشگاهی طلبی از وزارت تعاون ندارد. خرید با کالابرگ نیز مشابه خرید نقدی از فروشگاه‌هاست. زنگنه در توضیح کسر مبلغ ۵ هزار تومان گفت: این مبلغ به‌صورت سیستمی کسر و مجددا به همان کارت بازگردانده می‌شود، اما شاهد میدانی نشان می‌دهد در برخی موارد این مبلغ بازنگشته است که موضوع از طریق سازوکارهای نظارتی در حال پیگیری است. وی تأکید کرد: دریافت هرگونه کارمزد از مردم توجیه قانونی ندارد و در صورت مشاهده تخلف، با متخلفان برخورد می‌شود و حتی ممکن است تمام پایانه‌های فروش مربوط به مجموعه متخلف قطع شود.سخنگوی معاونت رفاه خاطرنشان کرد: فروشنده حق ندارد مصرف‌کننده را مجبور به خرید کالای خاص یا استفاده از کل اعتبار از یک فروشگاه کند. همچنین کالابرگ قابلیت فروش به غیر، تنزیل قیمت یا نقد کردن را ندارد و این اقدامات تخلف محسوب می‌شود. زنگنه درباره افرادی که موفق به دریافت کالابرگ نشده‌اند، توضیح داد: در برخی موارد ساختار خانواده تغییر کرده است؛ مانند وقوع طلاق یا تشکیل خانواده جدید. این تغییرات باید در سازمان ثبت احوال ثبت و تأیید شود. وی افزود: اطلاعات خانوارها به‌صورت پارامتریک و در دهم هر ماه به وزارت تعاون منتقل و در سامانه‌های مربوطه ثبت می‌شود.